

فهرست مطالب

فصل اول: اشخاص و محجورین..... ۱۳

مبحث نخست: صلاحیت ذاتی و محلی..... ۱۳

۱- صلاحیت ذاتی..... ۱۳

۲- صلاحیت محلی..... ۱۳

مبحث دوم - قوانین و مقررات مربوط به امور محجورین..... ۱۵

مبحث سوم - اشخاصی که مکلفند وجود محجور را به اطلاع دادستان برسانند..... ۱۸

مبحث چهارم - ضمانت اجرای عدم اعلام وجود محجور..... ۱۹

۱- لزوم جبران خسارت..... ۱۹

۲- تخلف:..... ۱۹

مبحث پنجم - وظائف دادستان پس از اطلاع از وجود محجور..... ۲۰

مبحث ششم - مهم ترین وظایف دادستان در امور محجورین بیان شد ولی به صورت مواد قانونی وظائف در امور محجورین بسیار می باشد که برای مثال مطابق با مواد قانونی تعدادی ذکر می گردد:

۲۱.....

مبحث هفتم - حجر..... ۲۳

۱- تعریف محجور..... ۲۳

۲- تقسیمات حجر:..... ۲۳

مبحث هشتم - اسباب حجر..... ۲۴

۱- اسباب حجر در ماده ۱۲۰۷ قانون مدنی عبارت است از:..... ۲۴

۲- عدم رشد (سفاقت)..... ۲۷

۳- جنون مجنون..... ۲۸

مبحث نهم - صدور حکم حجر..... ۳۰

مبحث دهم - تحقیقات لازم جهت صدور حکم حجر..... ۳۱

تحقیقاتی که معمولاً انجام می شود عبارتند از:..... ۳۱

مبحث یازدهم - محتویات حکم حجر..... ۳۱

- ۳۲..... مبحث دوازدهم - اثرات مترتب بر صدور حکم حجر
- ۳۲..... مبحث سیزدهم - راه‌های حمایت قانونگذار از محجور
- ۳۲..... راه‌های حمایت قانون گذار موارد ذیل است:
- ۳۲..... مبحث چهاردهم - ولی قهری
- ۳۳..... مبحث پانزدهم - وصی
- ۳۳..... ۱- استثناءات ماده ۷۳ قانون امور حسبی عبارتند از:
- ۳۳..... مبحث شانزدهم - قیم
- ۳۴..... ۱- سیر نصب قیم
- ۳۵..... ۲- اقسام قیم
- ۳۵..... ۳- حدود اختیارات قیم
- ۳۶..... ۴- عزل و انعزال قیم
- ۳۷..... ۵- امین
- ۳۸..... ۶- ضم امین
- ۳۹..... ۷- حضانت
- ۴۰..... ۸- سرپرستی یا فرزند خواندگی
- ۴۰..... مبحث هفدهم - غایب مفقود الاثر (مفقود الخبر)
- ۴۲..... ۱- اقدامات قانونی بعد از غیبت غائب:
- ۴۲..... ۲- صدور حکم فرضی
- ۴۲..... ۳- شرایط صدور حکم موت فرضی
- ۴۳..... مبحث هجدهم - ترکه
- ۴۳..... مبحث نوزدهم - ارث
- ۴۳..... دادگاه صالح راجع به امور ترکه
- ۴۳..... مبحث بیستم - مهر و موم ترکه
- ۴۳..... وظیفه مدیر ترکه در ترکه متوفای بلا وارث:
- ۴۴..... مبحث بیست و یکم - جمع بندی
- ۴۷..... * انتشار حکم حجر محجور و حکم رفع حجر او
- ۴۸..... * رفع حجر

۴.۸.....	✳️ مدارک لازم جهت صدور مجوز خروج از کشور.....
۵۹.....	فصل دوم: اعمال حقوقی.....
۵۹.....	مبحث اول - وقایع حقوقی.....
۵۹.....	۱- واقعه حقوقی.....
۶۰.....	۲- عمل حقوقی:.....
۶۱.....	مبحث دوم - عقد و ایقاع.....
۶.۱.....	۱- تعریف ایقاع.....
۶.۲.....	۲- تعریف عقد.....
۷.۲.....	۳- توضیح چهار اصطلاح که شبیه به هم هستند: فسخ؛ تفاسخ؛ انفساخ؛ شرط فاسخ.....
۷۶.....	شرط خیار و خیار شرط.....
۷۶.....	دعوی تنفیذ معامله.....
۷۸.....	جمع بندی دعوی اثبات مالکیت.....
۸۷.....	فصل سوم: شروط ضمن عقد، معامله فضولی.....
۸۷.....	مبحث نخست - شروط ضمن عقد.....
۸۷.....	۱- تعریف شروط ضمن عقد.....
۸۹.....	مبحث دوم - اقسام شروط صحیح.....
۸۹.....	۱- شرط فعل:.....
۹۰.....	۲- شرط صفت:.....
۹.۱.....	۳- شرط نتیجه:.....
۹۳.....	مبحث سوم - تأثیر فسخ یا اقاله عقد بر شروط ضمن عقد.....
۹۳.....	۱- تأثیر ممتنع شدن شرط.....
۹۳.....	۲- تأثیر فوت مشروط علیه.....
۹۳.....	۳- اقسام شروط باطل.....
۹۵.....	۴- مصادیق شروط نامشروع و باطل.....
۹۸.....	مبحث دوم - معاملات فضولی.....
۹۸.....	۱- معامله فضولی.....
۱۰۰.....	۲- آثار مبتلا سازنده فضول در معامله فضولی.....

۳- وضعیت شرط ضمن معامله فضولی..... ۱۰۱

۴- نکات معامله فضولی..... ۱۰۱

فصل چهارم: سقوط و انحلال قراردادها ۱۰۵

مبحث نخست- انحلال ارادی یا فسخ قرارداد (خيارات)..... ۱۰۶

۱- مقایسه حق رجوع با خيار فسخ..... ۱۰۶

۲- شباهت‌های حق رجوع و خيار فسخ..... ۱۰۶

۳- قواعد مشترک خيارات..... ۱۰۶

۴- مبنای خيارات..... ۱۰۷

۵- زمان ایجاد خيار..... ۱۰۷

۶- امکان جمع چند خيار در یک عقد..... ۱۰۷

۷- مهلت اجرائی خيارات..... ۱۰۷

۸- آثار اجرای خيار..... ۱۰۸

۹- تلف موضوع در زمان خيار..... ۱۰۸

مبحث دوم- انواع خيار..... ۱۰۸

۱- خيار شرط..... ۱۰۸

۲- خيار رؤیت و تخلف از وصف..... ۱۱۱

۳- مبنای خيار غبن..... ۱۱۲

۴- خيار عیب..... ۱۱۳

۵- خيار تبعض صفقه..... ۱۱۶

۶- خيار تدلیس..... ۱۱۷

۷- خيار تفلیس..... ۱۱۷

۸- خيار تعدر تسليم..... ۱۱۸

۹- خيار مجلس (خيار مختص عقد بيع)..... ۱۱۹

۱۰- خيار تأخير ثمن (خيار مختص عقد بيع)..... ۱۲۰

۱۱- خيار حيوان (خيار مختص عقد بيع)..... ۱۲۱

مبحث دوم- انحلال قهری یا انفساخ..... ۱۲۳

۱- اقسام انفساخ..... ۱۲۳



۱۲۳.....	۲- مصادیق انفساخ ناشی از قانون.....
۱۲۳.....	۳- آثار انفساخ.....
۱۲۴.....	مبحث سوم - سقوط تعهدات.....
۱۲۴.....	۱- تقسیم‌بندی مربوط به تعهدات.....
۱۲۷.....	۲- انواع اسباب سقوط تعهدات.....
۱۲۷.....	۳- تهاثر.....
۱۲۹.....	۴- ابراء.....
۱۳۲.....	۵- اقاله، تفاسخ یا تقابل (م ۲۸۳ق.م).....
۱۳۵.....	۶- تبدیل تعهد.....
۱۳۷.....	۷- وفای به عهد.....
۱۴۵.....	فصل پنجم: عقود معین.....
۱۴۵.....	مقدمه.....
۱۴۵.....	مبحث نخست - انواع عقود.....
۱۴۵.....	۱- عقد مزارعه.....
۱۵۰.....	۲- عقد مساقات.....
۱۵۱.....	۳- عقد مضاربه.....
۱۵۳.....	۴- عقد جُعاله.....
۱۵۴.....	۵- عقد شرکت.....
۱۵۶.....	۶- عقد قرض.....
۱۵۸.....	۷- عقد حواله.....
۱۶۰.....	۸- عقد کفالت.....
۱۶۳.....	۹- عقد صلح.....
۱۶۵.....	۱۰- عقد رهن.....
۱۶۹.....	۱۱- عقد هبه.....
۱۷۱.....	۱۲- عقد وکالت.....
۱۸۰.....	۱۳- عقد ودیعه.....
۱۸۹.....	۱۴- عقد عاریه.....

۱۹۴.....	۱۵-ضمان.....
۲۱۹.....	فصل ششم: عقد اجاره.....
۲۱۹.....	مبحث اول - عقد اجاره.....
۲۱۹.....	۱- اوصاف عقد اجاره.....
۲۲۰.....	۲- انواع عقد اجاره.....
۲۲۰.۱.....	۳- تفاوت اجاره اشخاص با جُعاله.....
۲۲۰.۱.....	۴- شباهت اجاره اشخاص با جُعاله.....
۲۲۲.....	۵- قوانین حاکم بر اجاره.....
۲۲۵.....	۶- مقایسه قوانین حاکم بر اجاره.....
۲۲۶.....	۷- تعهدات موجر.....
۲۲۷.....	۸- تعهدات مستأجر.....
۲۲۷.....	۹- شروط ضمن عقد اجاره.....
۲۲۸.....	۱۰- وضعیت عدم تعیین مدت در اجاره.....
۲۲۹.....	۱۱- تصرف شخص ثالث در عین مستأجره.....
۲۲۹.....	۱۲- موارد فسخ اجاره.....
۲۳۱.....	۱۳- موارد بطلان اجاره.....
۲۳۲.....	۱۴- تأثیر وقف در مورد اجار.....
۲۳۲.....	۱۵- تعدیل اجاره بها.....
۲۳۷.....	۱۶- صورتهای مختلف برای پرداخت اجاره بها در قانون ۵۶.....
۲۳۸.....	۱۷- موارد فسخ اجاره در قانون سال ۵۶ توسط مستاجر.....
۲۳۸.....	۱۸- در موارد زیر مستاجر می تواند اجاره را فسخ کند.....
۲۳۸.....	۱۹- موارد فسخ موجر در قانون ۶۲.....
۲۳۹.....	۲۰- تخلف از شغلی که عین آن برای اجاره داده شده است.....
۲۴۰.....	۲۱- شرایط تخلیه در صورت نیاز.....



فصل هفتم: دعاوی ناشی از مالکیت ۲۴۳

- ۱- مالی یا غیر مالی بودن دعاوی الزامی به تنظیم سند رسمی: ۲۴۴
- ۲- صلاحیت ذاتی (م ۱۱ و ۱۳ و ۱۸ و ۱۲ ق آد م و ۲۰ ق م) ۲۴۴
- ۳- صلاحیت محلی: ۲۴۴
۵. خواندگان دعاوی الزام به تنظیم سند رسمی (متعهد شناسی) ۲۴۹
۶. وضعیت مطالبه وجه التزام در دعاوی الزام به تنظیم سند رسمی: ۲۵۰
۷. تکلیف دادگاه نسبت به تتمه ثمن ضمن دعاوی الزام به تنظیم سند رسمی چیست: ۲۵۱
- ۸ اقدام دادگاه در جلسه رسیدگی به دعاوی الزام به تنظیم سند رسمی: ۲۵۱
- ۴-۲. رکن دوم احراز نقض تعهد: ۲۵۲
- ۹- بررسی دستور موقت و تامین خواسته در دعاوی الزام به تنظیم سند رسمی: ۲۵۲
- ۱۰- دعاوی الزام به تنظیم سند رسمی و تحویل ملک: ۲۵۳
- ۱۱- امکان طرح دعاوی خلع ید مستاجر بر علیه متصرف و حتی موجر: ۲۵۳
- ۱۲- امکان طرح دعاوی خلع ید با وجود حکم مبنی بر الزام به تنظیم سند رسمی: ۲۵۳
- ۱۳- دعاوی ناشی از خلع ید و قلع و قمع بنا و نحوه رسیدگی به آنها: ۲۵۴
- ۱۴- دعاوی ناشی از ابطال سند ۲۵۷

منابع ۲۶۱

پیشگفتار

به نام خداوند لوح و قلم
خداي که دانه رازهاست

حقيقت نگار وجود و عدم
نخستين سر آغاز آغازهاست

سپاس خدایی را که اول و آخر وجود است، بی آنکه اولی بر او پیشی بگیرد یا آخری پس از او باشد، خدایی که دست هر چشمی از دامن دیدارش کوتاه است و فهم هر کبوتر توصیف‌گری از پرواز در آسمان و صفش عاجز.

سپاس خدای را که به ید قدرت بی منتهايش دريای آفرينش را جاری کرد و به اراده ازلی‌اش همه خلق را صورت بخشید، هرکس را در سایه اراده‌اش به راهی راهرو گردانید و آتش عشق خود را در وجودشان برانگیخت، نه از آن سوی که پیش فرستادشان توان برگشت دارند و در این سوی که بازشان داشت توان سبقت.

کتاب حاضر با تکیه بر روح قانون و مواد منصوصه مصرحه انگاشته شده است. با حرکتی قانون محور تلاش است در جهت رفع کمبودها و نقایص موجود در قانون که از جهتی به علت تزید و پراکندگی قوانین و از جهتی به علت فقد اجرای عملی همچون تار به تن قوانین پیچیده است و محاکم را با مشکل رو به رو کرده است.

کتاب با شیوه‌ای کاربردی به تالیف در آمده تا علاوه بر دانشجویان و علاقه مندان به علم حقوق راه گشای وکلا و قضات محاکم دادگستری و کارآموزان تصدی منصب قضا در این راه بس سترگ باشد.

از نوآوری‌های کتاب وجود سؤالات اختبار قضایی در هر بخش می‌باشد تا داوطلبین آزمون قضا با مراجعه به هر بخش با سؤالات و ایضا طراح سؤال آن آشنا شوند. بعضا در برخی موارد به دلیل نامشخص بودن طراح سؤال نام طراح ذکر نشده است اما مقدار جای کافی نهاده شده است تا چنانچه داوطلب خود نام طراح را یافت جایگذاری کند.

علاوه بر آن در پایان هر فصل مبحثی تحت عنوان (سؤالات اختبار) وجود دارد، که هدف نگارنده از تقریر این مبحث بر آن بوده تا چنانچه هر یک از داوطلبین با سؤال جدید و کاربردی‌ای رو به رو شدند که این حقیر از ذکر آن غافل بوده و یا این که در سال‌های آتی سؤالات جدیدی مطرح شود، این مبحث را خود به زیور قلم اراسته کنند.

نوآوری دیگری که در کتاب تحت بخشی خاص وارد شده است، نشست‌های قضایی است.

نشست‌های قضایی که روز به روز ضرورت فهم آن احساس می‌شود با فلسفه‌ی شناسایی موضوعات بدیع و کاربردی در جریان رسیدگی به پرونده‌ها، تولید دانش قضایی مورد نظر دادرها و محاکم، مشارکت قضات عالی رتبه در تدوین نظریه نهایی نشست‌ها و کاهش میزان خطاپذیری نظرات، ایجاد ظرفیت مشورت و همفکری در جامعه قضایی از طریق به اشتراک گذاری دانش قضایی، ایجاد ظرفیت آموزش به صورت موضوعی کمک به ایجاد رویه واحد قضایی و همگرایی نظرات حقوقی قضات ایجاد شده است.

نشست‌های قضایی در پایان هر فصل و منطبق با موضوع آورده شده است تا با توجه به حجم وسیع مطالب در دو حوزه مقرر و اهمیت فوق العاده‌ی آن‌ها که از چشمی پوشیده نیست و فراوان بودن گستره موجود داوطلب بتواند هر چه سهل تر به حکم قضیه دست یابد.

در پایان بر خود لازم می‌دانم از دانش اموختگان خود جناب آقای مهدی دهقانی، احسان شادمند و همکاران محترم قضایی صادق بارانی و یاسین شهنیایی و رضا اشکی، خانم محدثه سلیمی تشکر و قدر دانی نمایم.

محمدحسن زیرائی

دکترای حقوق و قاضی دادگستری

فصل اول: اشخاص و مجورین

امور محجورین بخشی از امور حسبی است. تمام امور حسبی به جز بحث ترکه به امور محجورین مربوط می‌شود. در این نوشتار به موضوعات زیر اشاره خواهیم کرد:

صدور حکم حجر - صدور حکم رفع حجر - صدور گواهی رشد - نصب قیم و ناظر بر قیم - نصب امین و ناظر بر امین - ضم امین - حضانت - فرزند خواندگی - خروج از کشور محجورین و زن شوهردار

مبحث نخست: صلاحیت ذاتی و محلی

۱- صلاحیت ذاتی

طبق ماده ۳ قانون امور حسبی رسیدگی به امور حسبی در صلاحیت دادگاه حقوقی است. ماده ۴ قانون حمایت خانواده نیز برخی از امور بالا را در صلاحیت دادگاه خانواده دانسته است. طبق اصل ۱۵۹ قانون اساسی، مرجع رسیدگی به تظلمات، دادگستری است. مقصود از دادگستری محاکم قضایی است.

۲- صلاحیت محلی

الف) در پرونده‌های کیفری، دادگاه محل وقوع جرم صالح است (ماده ۳۱۰ ق.آ.د.ک)
ب) در دعاوی حقوقی دادگاه محل اقامت خوانده صالح است. (ماده ۱۱ ق.آ.د.م)

پ) اگر دعوایی علیه محجور اقامه شود، چون محجور نمی تواند طرف دعوی قرار گیرد، باید قیّم و سرپرست وی طرف دعوی قرار داده شود. لذا در دعاوی علیه محجور، دادگاهی صالح به رسیدگی است که محل اقامت سرپرست و قیّم در آن جا باشد. (ماده ۱۰۰۶ ق.م.)

ت) در بحث امور محجورین، در امور راجع به قیمومت، دادگاهی صالح است که محجور در آن جا اقامت دارد. (ماده ۴۸ به بعد ق.ا.ح.)

ث) صلاحیت ذاتی رسیدگی به امور محجورین، دادگاه حقوقی و خانواده است. پس جایگاه دادسرا و دادیار سرپرستی کجاست؟

ج) یکی از وظائف دادستان، امور حسبی است. دادیار سرپرستی (ماده ۳ قانون احیاء دادسرا و وظائف آن را بیان نموده است) در معیت دادگاه حقوقی و خانواده رسیدگی می کند؛ چون به موضوعاتی رسیدگی می کند که در صلاحیت دادگاه خانواده است، همان طور که دادیار تحقیق و بازپرس در معیت دادگاه کیفری به پرونده ها رسیدگی می کند.

چ) تفاوت کار دادیار سرپرستی با دادیار تحقیق در این است که دادیاران تحقیق پس از رسیدگی تحقیقاتی به پرونده، قرار نهایی صادر می کنند (تعلیق، مجرمیت، موقوفی تعقیب، منع تعقیب، عدم صلاحیت) اما دادیار سرپرستی دیگر چیزی به نام قرار نهایی ندارد. تنها تحقیقات را انجام می دهد، پرونده را آماده می کند، نظر مثبت یا منفی را می دهد و پرونده را برای کسب نظر نهایی به دادگاه می فرستد.

ح) توجه کنید اگر شما هم دادیار تحقیق بودید و از جهت دادیار تحقیق به پرونده رسیدگی کردید و جرمی را کشف کردید در اینصورت نسبت به آن موضوع قرارهای نهایی را می توان صادر کرد از جهت اینکه شما دادیار تحقیق هستید اما اگر دادیار سرپرستی هم هستید مسائلی که از این جهت رسیدگی می کنید قرار نهایی ندارد.

«دفتر محترم - نظر به اینکه طبق اظهارات فردی که خواهان قیمومت محجور می باشد، محجور در شهرستان مقیم می باشد، وفق ماده ۴۸ قانون امور حسبی، پرونده به دایره سرپرستی شهرستان ... ارسال شود».

خ) در امور حسبی، چون دادستان اختیارات خود را به دادیار تفویض کرده است، تصمیمات دادیار دیگر نیاز به تأیید و اظهار نظر دادستان ندارد.



مبحث دوم - قوانین و مقررات مربوط به امور محجورین

- قانون اساسی (اصول ۲۱، ۲۹ و ۳۰)
 - قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ و اصلاحات بعدی
 - قانون امور حسبی
 - قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۸۱ (قانون کودک آزاری)
 - قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی سرپرست و بدسرپرست مصوب ۱۳۹۲ (معروف به قانون فرزندخواندگی)
 - قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۷۱
 - قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب
 - قانون تأمین وسائل و امکانات تحصیل اطفال و جوانان ایرانی مصوب ۱۳۵۳
 - ماده واحده قانون واگذاری قیمومت محجوران تحت پوشش سازمان بهزیستی به سازمان مذکور تا زمان تعیین قیم دائم (قانون واگذاری) مصوب ۱۳۷۶/۰۴/۲۹
 - (یک مورد از تعیین قیم موقت، ماده ۷۰ ق.آ.د.ک و مورد دیگر، همین قانون است. هر محجوری که در اختیار بهزیستی قرار گرفت بهزیستی قیم موقت او می شود تا زمانی که قیم دائم تعیین شود).
 - قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱
 - قانون مجازات اسلامی
 - قانون مجازات اسلامی (تعزیرات): ماده ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۷۱۳ و ۵۶۹
 - قانون آئین دادرسی کیفری
 - قانون آیین دادرسی مدنی: مواد ۵۲، ۸۴، ۸۵، ۸۶ و ۱۰۵
 - قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵
- * اگر موضوعی صرفاً مشمول قانون کودک آزاری باشد چون نهایت مجازات آن ۶ ماه زندان است لذا از جرایم درجه ۷ بوده و صلاحیت رسیدگی به آن حسب ماده ۳۴۰ ق.آ.د.ک دادگاه کیفری ۲ می باشد. پرونده‌ای در دادسرا مطرح است که خانمی مراجعه کرده به دادسرا، شکایتی طرح کرده علیه همسر خود دائر بر ایراد ضرب و جرح عمدی نسبت به فرزند مشترک (دختر ۵ ساله). گواهی پزشکی ضم

پرونده حاکی از کورشدن یک چشم بچه بر اثر اصابت قلاب کمر بند به چشم بچه دارد. پرونده به یکی از بازپرسان محترم دادسرا ارجاع شده است سؤالاتی را باید از خود پرسید: متهم چه کسی است از باب صلاحیت و شاکی کیست و اصلاً حق شکایت دارد یا خیر؟ دوم زمان وقوع چیست از باب مرور زمان مثلاً دیه شامل مرور زمان نمی شود تا موقوفی تعقیب بخورد سوم در کجا عمل واقع شده است از باب صلاحیت محلی و در آخر چه عملی انجام شده است آیا جرم است یا خیر؟

پس باید عنوان شاکی را در پرونده دید که می تواند طرح شکایت کند یا خیر؟ ماده ۱۰ و ۱۱ ق.آ.د.ک شاکی و مدعی خصوصی را مشخص کرده است. اینجا بزه دیده و شاکی خصوصی طفل است و نمی تواند طرح شکایت کند.

* طبق ماده ۷۰ ق.آ.د.ک: ... در اینجا دادستان قیم موقت (قیم اتفاقی) تعیین می کند و رسیدگی ادامه پیدا می کند. لذا ابتدا با توجه به اینکه مجنی علیه محجور است و خود ولی قهری مرتکب جرم شده است، مادر طفل به عنوان قیم موقت انتخاب می شود.

* طبق ماده ۶۰ قانون حمایت خانواده در ترک اتفاق، اگر طفل تحت حضانت باشد، نیاز به تعیین قیم موقت ندارد.

* البته تعیین مادر به عنوان قیم موقت الزامی نیست و می توان هر شخص صالح دیگری را به عنوان قیم موقت انتخاب کرد. بعد از تعیین قیم موقت، تایید دادستان گرفته می شود.

* اگر مادر در اثناء رسیدگی اعلام گذشت نماید باید دید مادر حق گذشت دارد یا خیر؟

* تبصره ۲ ماده ۱۰۱ قانون مجازات اسلامی بیان میدارد تأثیر گذشت قیم موقت منوط به تأیید دادستان است. در اینجا دادستان باید مصلحت سنجی کند و رعایت غبطه محجور را بنماید که گذشت به نفع وی است یا عدم گذشت.

* بازپرس در خصوص جنبه خصوصی جرم قرار نهایی موقوفی تعقیب صادر کرده است. اما این قرار نسبت به جنبه خصوصی است. اما در ارتباط با جنبه عمومی جرم صرف نظر از گذشت شاکی، با توجه به ماده ۱۱۷۹ و ۱۱۸۰ و ۱۱۸۱ قانون مدنی و ماده ۷۳ قانون امور حسبی چون جنایت از طرف ولی قهری فرد بوده است و آن را تادیب دانسته است قرار منع تعقیب صادر کرده است. اما در اینجا عنوان کودک آزاری داریم که جرم انگاری به موجب قانون خاص شده است و شروع به تعقیب در آن نیاز به شکایت شاکی خصوصی ندارد.



* ماده ۴ و ۵ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بیان می‌دارند:

ماده ۵ - کودک آزاری از جرائم عمومی بوده و احتیاج به شکایت شاکی خصوصی ندارد. در چنین پرونده‌ای اگر هم قیم موقت انتخاب نشد، می‌توان رسیدگی به جنبه عمومی جرم نمود؛ چون نیاز به شکایت شاکی خصوصی ندارد.

براساس ماده ۴ آن قانون که بیان می‌دارد: ماده ۴: هر گونه صدمه و اذیت و آزار و شکنجه جسمی و روحی کودکان و نادیده گرفتن عمدی سلامت و بهداشت روانی و جسمی و ممانعت از تحصیل آنان ممنوع و مرتکب به سه ماه و یک روز تا شش ماه حبس و یا تا ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال جزای نقدی محکوم می‌گردد، این عمل کودک آزاری پدر ۶ ماه حبس دارد.

گزارشی آمده از مرجع انتظامی به دادسرا که شخص ۷۰ ساله‌ای در خانه‌ای تنها زندگی می‌کند، هیچ سرپرستی ندارد و خوراک وی از طریق همسایگان تأمین می‌شود و چون قدرت تحرک ندارد، زباله‌های خود را داخل حیاط پرتاب می‌کند و تلی از زباله‌ها در حیاط جمع شده و همسایه را اذیت کرده است. در اینجا جرمی رخ نداده است، اما دادستان باید در خصوص گزارش اتخاذ تصمیم کند. در اینجا دو تکلیف داریم:

اولاً- تعیین تکلیف شخص مسن: باید سرپناهی برای وی فراهم شود، نمی‌شود او را همین طور رها کرد. به استناد ماده ۳ قانون تأمین زنان و ... اداره بهزیتی مکلف به پذیرش افراد بی سرپرست یا بدسرپرست می‌باشد.

ثانیاً- تعیین تکلیف زباله‌ها: این کار شهرداری است. ماده ۵۵ قانون شهرداری.

- قانون راجع به رشد متعاملین مصوب ۱۳۱۳
- قانون گذرنامه
- آیین نامه ساماندهی کودکان خیابانی
- قانون اجازه الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۷۹ میلادی) مصوب ۱۳۷۲

مبحث سوم - اشخاصی که مکلفند وجود محجور را به اطلاع دادستان برسانند

الف) هر یک از ابویین اگر محجوری در خانه دارند (مثلاً بچه‌ای دارند که دیوانه یا سفیه است) مکلفند وجود محجور را به اطلاع دادستان برسانند. (ماده ۱۲۱۹ قانون مدنی با رعایت ماده ۱۲۱۸)

ب) بستگان محجور که با شخص محتاج به قیم در یک جا زندگی می‌کنند. (ماده ۱۲۲۰)

پ) زوج یا زوجه، اگر مردی همسرش دچار جنون شد، مکلف است به دادستان اطلاع دهد، یا زنی اگر شوهرش دچار جنون شد، مکلف است به دادستان اطلاع دهد. (ماده ۱۲۲۱)

ت) شهرداری اگر با محجوری مواجه شد، مکلف است طبق ماده ۵۵ قانون امور حسبی مراتب را به اطلاع دادستان برساند.

ج) اداره آمار: اگر در آمارگیری از نفوس و مسکن، مأمورین با محجورین مواجه شدند که ولی یا قیم ندارد، باید به دادستان اطلاع رسانی کنند.

چ) دهبان (در حال حاضر به دهیار یا شورای اسلامی ده منطبق است) ماده ۵۵ قانون امور حسبی

ح) بخشدار ماده ۵۵ قانون امور حسبی

خ) قیم: زمانی که صغیر به سن رشد برسد، ولی صغیر، سفیه یا مجنون باشد. صغیر در زمان صغر دارای حجر قانونی است. اگر صغیر به سن رشد رسید و هنوز سفیه یا مجنون است، حجرش می‌شود قضایی، باید به دادستان اطلاع دهد، ممکن است دادستان همان شخص یا شخص دیگری را به سمت قیمومت نصب نماید. ماده ۵۹ قانون امور حسبی

د) ورثه قیم در صورت فوت قیم ماده ۸۹ قانون امور حسبی

ذ) سازمان بهزیستی: ماده واحده قانون واگذاری. این ماده واحده می‌گوید سازمان بهزیستی خودش قیم موقت است و مکلف است بعد از تحویل گرفتن محجور، برای تعیین قیم دائم به دادستان اطلاع دهد.

ر) نماینده یا مأمور ثبت احوال: ماده ۵۵ قانون امور حسبی و ماده ۱۸ قانون ثبت احوال.

* وقتی فرزندی به دنیا می‌آید، نماینده ثبت احوال در زایشگاه مستقر است، نامه‌ای به والدین می‌دهد که به ثبت احوال برای صدور شناسنامه مراجعه کند.

ز) مأموران نیروی انتظامی: ماده ۶۷ قانون اصول تشکیلات عدلیه

ژ) اعضای شورای حل اختلاف: ماده ۱۲ قانون شورای حل اختلاف مصوب ۱۳۹۴



س) مأموران کنسولی: اگر بین ایرانیان مقیم خارج از کشور محجوری باشد، موظفند اسامی آن‌ها را اعلام کنند. ماده ۱۲۲۸ و ۱۲۲۹ قانون مدنی

ش) هر یک از محاکم که در جریان رسیدگی به پرونده (کیفری یا حقوقی و همچنین صالح به رسیدگی باشد یا نباشد در آن پرونده مطلع به وجود محجور شوند که ولی یا وصی یا قیم ندارد، مکلفند مراتب را به اطلاع دادستان برسانند. ماده ۵۶ و ۱۷۲ قانون امور حسبی

مبحث چهارم - ضمانت اجرای عدم اعلام وجود محجور

۱- لزوم جبران خسارت

اگر کسی وظیفه قانونی داشته که وجود محجور را اعلام کند و خساراتی از قبل عدم اعلام به محجور وارد شد، چنانچه علت تامه ضرر، عدم اعلام باشد، متضرر می‌تواند شکایت کند و در دادگاه صالح کیفری علت تامه باید مشخص شود. واحد سرپرستی نیز می‌تواند در صورت متضرر شدن محجور در اثر عدم اعلام طرح شکایت کند. اصل ۱۷۱ قانون اساسی، ماده ۹۶ قانون امور حسبی، ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، مواد ۱۲۳۸، ۱۲۳۹ و ۱۲۴۷ قانون مدنی و ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی

۲- تخلف:

۱-۲ اگر متخلف کارمند باشد:

الف) تخلف اداری (ذیل ماده ۴۸ قانون ثبت احوال و بند ۱۴ ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری اداره کل ثبت احوال هر استان)

ب) جرم دخل و تصرف غیرقانونی در وجوه دولتی: (ماده ۵۹۸) چنانچه فرض شود شخصی مجنون را پیدا کرده است و تحویل بهزیستی دهد و بهزیستی به مدت یک سال وی را نگهداری کند، عدم اطلاع وی به دادستان تخلف است. اگر بهزیستی بودجه جای دیگری را مثلاً بودجه ساخت درمانگاه را خرج دیوانه کند، مرتکب جرم شده است. چه بسا با اعلام به دادستان خانواده دیوانه پیدا شده و این هزینه مصرف نمی‌شد. مانند اختصاص بودجه دولتی به غیر از طرح مصوب.

۲-۲ اگر قاضی باشد، تخلف انتظامی محسوب می‌شود. عدم انجام وظیفه توسط قاضی دو فرض دارد:

الف) اگر از روی اهمال (غیر عمدی) باشد: تخلف هست، و محکومیت انتظامی تا درجه ۴ دارد (بند ۸ ماده ۱۴ قانون نظارت بر رفتار قضات).

ب) اگر علی‌رغم اطلاع و تذکری که به وی داده شده است، استنکاف کرد (عمدی): تخلف هست، محکومیت درجه ۶ تا ۱۰. (بند ۵ ماده ۱۶ قانون نظارت بر رفتار قضات)

مبحث پنجم - وظائف دادستان پس از اطلاع از وجود محجور

۱- پیشنهاد نصب قیم برای محجور به دادگاه خانواده (پس از پیشنهاد نصب قیم دادگاه خانواده قیم را به صلاح‌دید خود نصب می‌کند و پس از آن قیم نامه توسط دادسرا صادر می‌شود): (ماده ۱۲۲۲ ق.م و ۴ ق.ح.خ)

۲- تقاضای صدور حکم حجر: برای مجنون و غیررشید با کسب نظر کارشناس و جمع‌آوری ادله: (ماده ۱۲۲۳ ق.م). حجر طفل قانونی است و نیاز به صدور حکم ندارد، کسانی که حجرشان قضایی است (مجنون و غیررشید) باید دادستان برایشان تقاضای صدور حکم حجر کند (پس از حکم قطعی حجر دوباره به دادسرا می‌آید تا دادسرا پیشنهاد قیم کند).

سؤال: آیا پیشنهاد حجر از وظایف اختصاصی دادستان است؟

پاسخ: با توجه به ماده ۵۹ ق.ا.ح و ماده ۱۲۲۳ ق.م دادستان مکلف است پیشنهاد حکم محجور را به دادگاه بدهد؛ یعنی مستفاد از این دو ماده قانونی این است که پیشنهاد حکم حجر از وظایف اختصاصی دادستان است، لکن رأی وحدت رویه شماره ۷۲ مورخ ۹/۴/۱۳۵۳ می‌گوید:

«وظایفی که قانون در باب اعلام حجر مجنون یا سفیه به عهده دادستان محول کرده است منافی با اینکه اشخاص ذینفع در صورت اقتضاء برای اثبات حجر به دادگاه مراجعه کنند نیست.»

بنابراین دادستان در صورت اطلاع از وجود محجور مکلف به انجام وظایف قانونی حسب مواد ۱۲۲۲ و ۱۲۲۳ ق.م و ماده ۵۹ ق.ا.ح می‌باشد، لکن دیگران هم می‌توانند تقاضای صدور حکم محجور را از دادگاه بنمایند.



۳- حفظ و نظارت بر اموال محجور: تا زمانی که قیم برای محجور تعیین نشده، دادستان مسئول حفظ و نظارت بر اموال محجور است. ماده ۱۲۲۴ ق.م.

الف) اموال محجور تقسیم می‌شود به:

اموال منقول: بر سه قسم است.

- **وجوه نقد:** وجوه نقد زاید بر استفاده (۸۳ و ۹۰) باید در بانک معتبر با سود مناسب سپرده گذاری شود در صورت امتناع قیم، باید جبران خسارت کند.
- **اموال فاسد شدنی:** سریع باید فروخته شده و تبدیل به مال عادی یا وجوه نقد شود.
- **اموال عادی:** بستگی به صلاحدید دادستان دارد مثلاً برخی اموال فروخته و تبدیل شود بهتر است مثلاً تاکسی را به جریان می‌اندازد یا ماشین گرانقیمت فروخته می‌شود و تبدیل به زمین یا مال دیگر می‌شود نه اینکه ماشین را در پارکینگ متوقف کند.

ب) اموال غیر منقول

به هیچ عنوان منتقل نمی‌شود مگر با اجازه دادستان (بر خلاف دو قسم قبلی قیم نمی‌تواند مستقلاً اقدام کند). م ۱۲۴۲ ق.م
 قیم در اموال منقول اختیار دارد و نیاز به تایید دادستان ندارد ولی باید در آخر سال حساب خود را ارائه دهد.

مبحث ششم - مهم ترین وظایف دادستان در امور محجورین

- انجام تحقیقات مقدماتی و پیشنهاد نصب قیم برای صغار فاقد ولی خاص. (مواد ۵۶ و ۷۳ ق.ا.ح و ماده ۱۲۲۲ ق.م)
- انجام تحقیقات مقدماتی و پیشنهاد نصب قیم برای افراد سفیه یا مجنون و فرزندان آنها که فاقد ولی خاص مواد ۵۹ و ۷۳ ق.ا.ح و ماده ۱۲۲۳ ق.م)
- پیشنهاد صدور حکم حجر به لحاظ جنون یا سفاهت به دادگاه حقوقی صالح پس از انجام تحقیقات مقدماتی (مواد ۵۶ و ۵۹ ق.ا.ح و ماده ۱۲۲۳ ق.م)
- پیشنهاد صدور حکم رفع حجر مجنون یا سفیه در صورت بهبودی محجور (ماده ۱۲۵۴ ق.م)

- پیشنهاد صدور گواهی رشد به دادگاه حقوقی (خانواده) برای صغاری که بالغ شده و احتمال رشد آنها داده شود. (ماده ۱۲۵۴ ق.م.)
- اعتراض به صدور حکم حجر و رفع حجر و بقاء آن و درخواست‌های مربوطه. (ماده ۶۶ ق.ا.ح)
- ترتیب دادن ازدواج مجنون و موافقت با امر ازدواج وی و پیشنهاد طلاق زوجه مجنون به دادگاه خانواده. (ماده ۸۸ ق.ا.ح)
- حفظ اموال صغار و مجانین که قیم آنها فوت شده و یا هنوز قیم برای آنها نصب نشده است. (ماده ۸۹ ق.ا.ح و ماده ۱۲۲۴ ق.م.)
- موافقت با فروش اموال غیر منقول محجور و اعزام نماینده به دفاتر اسناد رسمی. (ماده ۸۳ ق.ا.ح و ماده ۲۲ آئین نامه دفاتر اسناد رسمی مصوب ۱۳۱۷ و ماده ۱۲۴۱ ق.م.)
- نظارت بر عملکرد قیم که این نظارت قابل واگذاری و تفویض خواهد بود. (مواد ۱۲۴۳ تا ۱۲۴۷ ق.م و مواد ۸۴، ۹۰ و ۹۶ ق.ا.ح)
- پیشنهاد تعیین قیم برای صغار حتی با وجود ولی خاص دادگاه ثابت باشد. (مواد ۱۱۸۴ و ۱۱۸۶ ق.م.)
- پیشنهاد عزل قیم به دادگاه عمومی (خانواده). (ماده ۱۲۴۴ ق.م و مواد ۹۷ تا ۹۹ ق.ا.ح)
- تعیین قیم موقت برای صغار. (ماده ۹۹ ق.ا.ح و ماده ۱۲۵۰ ق.م.)
- پیشنهاد نصب امین برای جنینی که فاقد ولی قهری یا وصی باشد برای اداره سهم الارث که از اموال متوفی به جنین می‌رسد. (مواد ۱۰۳ و ۱۰۷ ق.ا.ح)
- حفظ و نظارت اموال در مواردی که نیاز به تعیین امین است و امین معین نشده است. (ماده ۱۱۳ ق.ا.ح)
- پیشنهاد نصب امین برای صغاری که پدر آنها فوت کرده و دسترسی به ولی خاص او نباشد به علت غیبت یا حبس. (ماده ۱۱۸۷ ق.م.)
- پیشنهاد ضم امین به ولی قهری که به علت کبر سن یا بیماری یا امثال آن قادر به اداره اموال مولی علیه نباشد. ذیل ماده ۱۱۸۴ ق.م.)
- پیشنهاد عزل امین. (ماده ۱۲۱ ق.ا.ح ناظر به مواد ۹۸، ۹۹ و ۱۰۰ ق.ا.ح و ماده ۱۲۴۴ ق.م.)
- پیشنهاد ضم ناظر به قیم یا امین. (مواد ۱۲۲۲ و ۱۲۵۱ ق.م و مواد ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۹ ق.ا.ح)